

مفهوم همه‌ی ابیات یکسان است ، به جز:

(۱) از دوستی‌ام سوخت دل خویش به صد داغ / بیگانه نکرد آن‌چه دل خویش به من کرد

(۲) گاهی که سنگ حادثه از آسمان رسد / اوّل بلا به مرغ بلند آشیان رسد

(۳) چو خس را درافکند در دیده کس / ز خود بایدش گریه کردن نه خس

(۴) هر آن کس که اندیشه‌ی بد کند / به فرجام، بد با تن خود کند

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. (بلندپروازی و بیش‌تر در معرض خطر بودن)

مفهوم مشترک سایر گزینه‌ها: به خود بدی کردن

هر بیت، به ترتیب بیان‌گر کدام وادی عرفانی است؟

الف) صد هزاران مرد گم گردد مدام / تا یکی اسرار بین گردد تمام

ب) کس در این وادی به جز آتش مباد وانکه آتش نیست عیشش خوش مباد

ج) لیکن از عشقم ندانم آگهی / هم دلی پر عشق دارم هم تهی

د) گر دو عالم شد همه یک بار نیست / در زمین ریگی همان انگار نیست

۲) استغنا، طلب، حیرت، معرفت

۱) استغنا، حیرت، عشق، فنا

۴) معرفت، عشق، حیرت، استغنا

۳) معرفت، طلب، عشق، فنا

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

الف: معرفت: دیدن اسرار در وادی معرفت است.

ب: وادی‌ای که در آن آتش و سوختگی وجود دارد عشق است.

ج: ناآگاهی و سرگردانی معرف وادی حیرت و سرگشتگی است.

د: بی‌ارزشی دو عالم در وادی استغنا رخ می‌دهد.

مفهوم بیت زیر از همه‌ی ابیات دریافت می‌شود ، به جز:

«نه بدو، ره، نه شکیبایی ازو / صد هزاران خلق سودایی ازو»

۱) نه سرو نازد چون قامت تو در بستان / نه ماه تابد چون عارض تو بر گردون

۲) نه قوتی که تو انم کناره جستن از او / نه قدرتی که به شوخیش در کنار کشم

۳) نه روی رفتنم از خاک آستانه‌ی دوست / نه احتمال نشستن نه پای رفتارم

۴) نه بخت و دولت آنم که با تو بنشینم / نه صبر و طاقت آنم که از تو درگذرم

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. (راست‌قامتی و زیبایی معشوق)

مفهوم مشترک گزینه‌ی ۲ و ۳ و ۴ و صورت سوال: جاذبه‌ی معشوق و درماندگی عاشق

کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

«اگر مستم اگر هشیار اگر خوابم اگر بیدار / به سوی تو بود روی سجودم میهن ای میهن»

۱) در میان دلی و این چه عجب / وطن گنج بود ویرانی

۲) این وطن مصر و عراق و شام نیست / این وطن جایب است کاو را نام نیست

۳) سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است درست / نتوان مُرد به سختی که من این جا زادم

۴) کمند جذبه‌ی حب الوطن از وادی غربت / به دریا هم‌چو سیل خوش خرام آورد مستان را

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک گزینه‌ی ۴ و صورت سوال: حب وطن

همه‌ی ابیات بر سروده‌ی زیر قرابت مفهومی دارد ، به جز :

«گریه کنی اگر که آفتاب را ندیده‌ای / ستاره‌ها را هم نمی‌بینی»

۱) چو دی رفت و فردا نیامد به دست / حساب از همین یک نفس کن که هست

۲) بسی تیر و دی ماه و اردی‌بهشت / برآید که ما خاک باشیم و خشت

۳) اگر سختی بری و کامجویی / تو را آن روز باشد کاندراوی

۴) گلستان که امروز باشد به بار / تو فردا چنی گل نیاید به کار

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. قدر لحظه را دانستن و افسوس نخوردن مفهوم مشترک گزینه‌ی ۱ و ۳ و ۴ است.

کدام بیت، دربردارنده‌ی مفهوم بیتِ زیر است؟

«رزق هر چند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها»

۱) گر کند آفاق را چون صبح از احسان روسفید / نیست جز گرد کدورت رزق من زین آسیا

۲) سعی در رزق کسان دل را منور می‌کند / کم بود دل‌های شب بی‌شمع بالین آسیا

۳) بی‌تردد، دامنِ روزی نمی‌آید به دست / می‌کند با کاهلان این نکته تلقین آسیا

۴) پوچ سازد مغزها را چرخ تا روزی دهد / باشد از ریزش فزون آوازه‌ی این آسیا

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک صورت سوال و گزینه‌ی ۳: دعوت به تلاش برای کسب روزی

کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟

«تعلیم ز ارّه گیر در امر معاش / نیمی سوی خود می کش و نیمی می پاش»

(۱) به گیتی ز بخشش بود مرد مه / تو گر گنج داری ببخش و منه

(۲) مدار و ببخش آنچه افزون بود / وز اندازهی خورد بیرون بود

(۳) اگر هزار گنه بینی از سپهر دو رنگ / بر او ببخش که بخشیدن گناه، خوش است

(۴) بخل عیبی است که صد فضل پوشاند و جود / کیمیایی است که صد عیب هنر گرداند

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک گزینه‌ها و صورت سوال: دعوت به بخشش دارای

گزینه‌ی ۳: دعوت به عفو کردن و گذشتن از گناه است.

مفهوم همه‌ی ابیات یکسان است ، به جز :

- (۱) صبر کن ای دل که آخر رنج تو هم بگذرد / دولت و محنت نماند شادی و غم بگذرد
- (۲) دامن شادی چو غم آسان نمی‌آید به دست / پسته را خون می‌شود دل تا لپی خندان کند
- (۳) شاد و بی‌غم بزی که شادی و غم / زود می‌آیند و زود می‌گذرند
- (۴) به عیش کوش و مپندار هم‌چو نااهلان / که عمر را عوض و وقت را قضایی هست

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. (ساختن شرایط شاد، سخت است)

ناپایداری شادی و غم مفهوم مشترک گزینه‌ها است.

مفاهیم «اغتنام فرصت، تلاش، توصیه به خویشتن‌داری، مذمت نفس‌پرستی» در کدام ابیات، به ترتیب، وجود دارد؟

الف) اگر بر خرد چیره گردد هوا / نخواهد به دیوانگی برگوا

ب) که اندر جهان سود بی‌رنج نیست / هم آنرا که کاهل بود گنج نیست

ج) هنر با خرد در دل مرد تند / چو تیغی که گردد ز زنگار کند

د) چو کاهل شود مرد هنگام کار / از آن پس نیاید چنان روزگار

۱) د، ب، ج، الف ۲) ب، ج، د، الف ۳) الف، ب، ج، د ۴) د، الف، ج، ب

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

د) دوری از کاهلی و اغتنام فرصت

ب) دعوت به تلاش و کوشش

ج) مرد تندمزاج هنر و خردش از بین می‌رود. دعوت به خویشتن‌داری

الف) دوری از هوا و هوس

الگوی (نهاد + مفعول + مسند + فعل) در کدام بیت، یافت می‌شود؟

۱) بدین دو دیده‌ی حیران من هزار افسوس / که با دو آینه رویش عیان نمی‌بینم

۲) دامن دوست بدست آر و ز دشمن بگسل / مرد یزدان شو و فارغ گذر از اهرمنان

۳) دیدن روی تو را دیده‌ی جان‌بین باید / وین کجا مرتبه‌ی چشم جهان‌بین من است

۴) راست چون سوسن و گل از اثر صحبت پاک / بر زبان بود مرا آنچه تو را در دل بود

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. رویش را عیان نمی‌بینم.

من: نهاد / رویش: مفعول / عیان: مسند / نمی‌بینم: فعل

معنی «ساختن» در کدام بیت، متفاوت است؟

۱) بیارید داننده آهنگران / یکی گرز سازند ما را گران

۲) دیدم که ملک فقر من از ملک جم به است / زر وام کردم از رخ و خاتم بساختم

۳) کیمیای عشق او از خون دلها ساختند / عاشقانش در طلب زین روی جانها باختند

۴) دوستان و دشمنان را آب و آتش فعل باش / بدسگالان را بسوز و نیکخواهان را بساز

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ ساختن به معنی «درست کردن» است اما در گزینه‌ی ۴ «کنار

آمدن» است.

با توجه به بیت زیر، کدام موارد کاملاً درست است؟

«گیرند مردم دوستان، نامهربان و مهربان / هر روز خاطر با یکی ما خود یکی داریم و بس»

الف) در بیت دو «واو» عطف وجود دارد.

ب) یک مسند در بیت وجود دارد.

ج) در بیت یک نقش تبعی یافت می‌شود.

د) در بیت یک صفت مبهم به چشم می‌خورد.

۱) الف، ب

۱) الف، ج

۳) ب، د

۴) ج، د

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

ج) نامهربان و مهربان: نقش تبعی

د) هر: صفت مبهم

در همه‌ی ابیات واژه‌ی ای یافت می‌شود که «هم‌آوا» دارد، به‌جز:

- (۱) کدامین طالع این امداد کرده است / که شاه از مستمندان یاد کرده است
- (۲) اگر در هم شوی بس ناصواب است / نه جرم تشنه و نه جرم آب است
- (۳) تفرّج را سوی سرو و سمن شد / گلستانی به تاراج چمن شد
- (۴) اسیر محنت ایام بودن / به کام دشمنان ناکام بودن

گزینه ۱ پاسخ صحیح است.

(۲) صواب / ثواب

(۳) سمن / ثمن

(۴) اسیر / عصیر / عسیر

نوع وابسته‌ی وابسته در همه‌ی ابیات یکسان است ، به جز:

- (۱) دیوانه‌ی قلمرو صحرای وحشتیم / ما را سواد شهر بود آیه‌ی عذاب
 - (۲) ای برق اگر به گوشه‌ی آن بام بگذری / آنجا که باد زهره ندارد خبر ببری
 - (۳) چون قضا سلسله‌ی زلف تو عالم‌گیر است / گردنی نیست که در حلقه‌ی زنار تو نیست
 - (۴) ناز است سد راه و گرنه در اشتیاق / فرقی میانه‌ی دلِ ما و دلِ تو نیست
- گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

(۱) دیوانه قلمرو صحرای وحشت: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(۲) گوشه‌ی آن بام: صفت مضاف‌الیه

(۳) سلسله‌ی زلف تو: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

(۴) میانه‌ی دلِ ما: مضاف‌الیه مضاف‌الیه

آرایه‌های «اسلوب معادله، تلمیح، تشبیه، حس آمیزی» به ترتیب، در کدام ابیات یافت می‌شود؟

الف) وصل، هجران است اگر دل‌ها ز یک‌دیگر جداست / هجر باشد وصل اگر دل‌ها به هم پیوسته است

ب) آبی که زندگانی جاوید می‌دهد / دارد اگر وجود، شراب شبانه است

ج) نیست پروا عاشقان را از نگاه تلخ یار / دود خشک شمع ریحانِ تر پروانه است

د) از تهی مغزی است امید گشاد از ماه عید / ناخن تنها برای پشت سر خاریدن است

۱) ج، ب، الف، د ۲) ج، ب، د، الف ۳) د، ب، الف، ج ۴) د، ج، ب، الف

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.

د: اسلوب معادله: امید گشاد از ماه عید از تهی مغزی است همان‌طور که ناخن تنها برای پشت سر خاریدن است

ب: تلمیح: حضرت خضر و آب حیات بخش

الف: تشبیه: وصل به هجران / هجران به وصل

ج: حس آمیزی: نگاه تلخ

هر دو آرایه‌ی مقابل کدام بیت درست است؟

- (۱) پیمان‌ه‌ی حیاتم پر شد فغان که نتوان / پیمان از او گرفتن پیوند از او بریدن (حسن تعلیل - جناس)
- (۲) برخیز تا به پای شود روز رستخیز / وانگه ببین شهید غمت در چه حالت است (تلمیح - ایهام)
- (۳) شد چمن انجمن از بوی خوشش پنداری / که سمن در بغل و گل به گریبان دارد (جناس - حس آمیزی)
- (۴) اسباب پریشانی جمع است برای من / جمعیت اگر خواهی زان طره پریشان باش (پارادوکس - مجاز)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«آب آتش می‌برد خورشید شب‌پوش شما / می‌رود آب حیات از چشمه‌ی نوش شما»

(۱) استعاره، تشخیص، تلمیح، تضاد

(۲) مجاز، جناس تام، تضاد، تلمیح

(۳) ایهام، استعاره، جناس تام، پارادوکس

(۴) مجاز، ایهام، تشخیص، پارادوکس

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. استعاره: خورشید استعاره از چهره / آبرو داشتن آتش استعاره تشخیصی

تشخیص: آبرو داشتن آتش

تلمیح: داستان حضرت خضر و آب حیات

تضاد: آتش و آب

در کدام بیت، هر دو تشبیه گسترده و فشرده وجود دارد؟

(۱) هر که از مهر تو چون ذره شود سرگردان / دورش از روی چو خورشید درخشان مگذار

(۲) من که با زلف چو چوگان تو گویی نزنم / بیش از این گوی دلم در خم چوگان مگذار

(۳) چند چون مرغ کنی سوی گلستان پرواز / راه آمد شد بستان به صبا باز گذار

(۴) تو که یک ذره نداری خبر از آتش مهر / ذره‌ی بی‌سر و پا را به هوا باز گذار

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. زلف چو چوگان: تشبیه گسترده

گوی دلم: تشبیه فشرده

«هم صدا با حلق اسماعیل، سه دیدار و روزها» به ترتیب، از آثار چه کسانی است؟

- (۱) رسول پرویزی، نادر ابراهیمی، مجید واعظی
(۲) حسن حسینی، رسول پرویزی، جلال متینی
(۳) مجید واعظی، جلال متینی، اسلامی ندوشن
(۴) حسن حسینی، نادر ابراهیمی، اسلامی ندوشن

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هم صدا با حلق اسماعیل: حسن حسینی

سه دیدار: نادر ابراهیمی

روزها: اسلامی ندوشن

در کدام گروه واژه‌ها، غلط‌املائی وجود دارد؟

- (۱) صنف و گونه، افراط و تفریط، محووظه و صححن
- (۲) سترگ و عظیم، حلقه و طوق، تلبیس و نیرنگ
- (۳) متأللی و درخششان، هرب و نزاع، خوالیگر و طبّاخ
- (۴) ثقت و اعتماد، طاعنان و عیب‌جویان، تلمذ و شاگردی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. حرب و نزاع

در کدام بیت، غلط املائی وجود دارد؟

(۱) زهی ستوده خصلالی که بر تو می‌زیبد / به جمع حور و پری دعوی حیا کردن

(۲) یکی شیره شرزه به چنگال تیز / ز جنگش کجا خواستی رستخیز

(۳) و گر به خواست وی آید همی گناه از ما / نه ایم عاصی بل نیک و خوب کرداریم

(۴) گر ناقه را نه ناله‌ی میجنون شدی حدی / کی می‌ربود از کف لیلی زمام را

گزینه ۲ پاسخ صحیح است.

یکی شیر شرزه به چنگال تیز / ز چنگش کجا خواستی رستخیز

در کدام عبارت غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) پادشاهان صورتی چون عمارتی فرمایند، ننگ دارند که به خودی خود دست در گل نهند، به دیگران باز گذارند.
- (۲) اندیشید و در حال جوابی مختصر چنان که صواب دانستند بر قفای ورق نبشت.
- (۳) رای زلفت بخشای سعادت بخش بر ایشان ترحم فرمود و وی را بنواخت.
- (۴) هر کار که به قصد نقض عهد منصوب باشد مجال تجاوز فراختر باشد.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. هر کار که به قصد نقض عهد منسوب نباشد مجال تجاوز فراختر باشد. طراح محترم فعل منفی نباشد را هم مثبت گرفته‌اند. (کلیده و دمنه)

معنی مقابل کدام واژه، کاملاً درست است؟

(۱) ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می دهند.

(۲) پویدن: حرکت و جسیت و خیز برای مقصد نامعلوم

(۳) درهم: واحد پول طلا که ارزش آن بیش از دینا بوده است.

(۴) دینار: واحد پول و سکه‌ی نقره که در گذشته رواج داشته است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ولیمه: طعامی که در مهمانی و عروسی می دهند.

واژه‌های: «گرامیداشت، آرزومند، زیبانه و شعله‌ی آتش، صیرف» به‌ترتیب، معانی کدام واژه‌ها است؟

(۱) اعزاز، شایق، التهاب، مجرّد

(۲) تکریم، شایق، قبضه، معیار

(۳) اعزاز، مسرور، شراره، مجرّد

(۴) اقبال، فایق، التهاب، سبک

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. اعزاز: گرامی‌داشت / شایق: آرزومند / التهاب: زیبانه و شعله‌ی آتش / مجرّد: صیرف

معادنی مقابل چند واژه، درست است؟

(رایزن: مشاور) (ردا: بالاپوش) (استماع: شنوایی) (جلجل: زنگوله) (مألوف: خوگرفتن) (عتاب کردن: سرزنش شده)

(دازگ: یک ششم چیزی) (طرفه: عجیب)

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. موارد نادرست:

استماع: شنیدن و گوش دادن / مالوف: خوگرفته / عتاب کردن: سرزنش کردن